

خود شریعت لازم می‌آورد. اگر تلقی عیسی از مطالبات اخلاقیات همین است، دعوت او به کمال و اصلاح اخلاقی بیشتر مناقشه‌پذیر است. او اطمینان به توانایی مان برای رسیدن به معیارهایش را تشویق نمی‌کند؛ اما اگر ما نمی‌توانیم به آنها برسیم، مقصود از الحاح آنها به ما اصلاً چیست؟<sup>۱۴</sup>

#### ۴. طبیعت بشر

پولس رسول اعتقاد دارد که «شریعت تنها آگاهی از گناه می‌آورد»؛ اما این آگاهی را تنها در صورتی پدید می‌آورد که ما بیندیشیم این آگاهی درجه‌ای از کمال [از ما] می‌طلبد که ما نمی‌توانیم به آن دست یابیم. اخلاق‌گرایان یونانی موافق‌اند که معیارهای مورد متابعت شخص بافضیلت برای مردم عادی پُر مطالبه است؛ اما، در نظر آنان، شخصی که دانش و شخصیتی شایسته کسب می‌کند قادر به پیروی از پُر مطالبه‌ترین معیار اخلاقی می‌شود که پذیرفتن آن معقول است. مسیحیت در برابر این سنت فلسفی یونانی می‌ایستد، تا آنجا که هر توانایی انسان عادی را برای آن قسم فضیلتی انکار می‌کند که قانون اخلاقی مطالبه می‌کند.<sup>۱۵</sup>

برآورد پولس رسول از توانایی انسان تا اندازه‌ای از این نظر او نتیجه می‌شود که قانون اخلاقی ضرورتاً مشوق همان امیالی است که رد می‌کند. شریعت به گناه فرصت می‌دهد، چون استلزامی خارجی است که آمر [authority] تحمیل کرده است؛ ما در رد کردن آن خودمان و اراده مستقل مان را ابراز می‌کنیم. از نظر پولس، انسانهایی که با مطالبات شریعت مواجه می‌شوند نگرشی اتخاذ می‌کنند که به روشترین نحو شیطان میلتون بیان می‌کند؛ آنان ابراز وجود [self-assertion] و آزادی را ارزش می‌گذارند که از رد عمده آمریت اخلاقی نتیجه می‌شود. مسلماً، اخلاق‌گرایان یونانی برخی تعارضهای ظاهری انگیزه‌ها را می‌پذیرند. اما از دیدگاه مسیحی، تفاسیر آنان از منابع تعارض نسبتاً سطحی است، چون آنان معقولیت و ناگزیری ابراز وجود ما در برابر اخلاقیات را تصدیق نمی‌کنند.<sup>۱۶</sup>

اگر اخلاق [morality] تنها تعارض میان شریعت و ابراز وجود انسان را تشدید می‌کند، نگرش مسیحی ممکن است به‌طور تحمل‌ناپذیری بدبینانه به نظر آید. بدبینی ما افزایش می‌یابد اگر قانون اخلاقی را همان قدر مطالبه‌کننده بشماریم که عیسی گمان می‌کند هست. ما حق نداریم از درجه معتدلی از ایثار سرپیچی کنیم؛ اما وقتی عیسی از ما می‌خواهد دومین مسافت را بپیماییم، گونه دیگر را [برای خوردن سیلی] برگردانیم، به هر کس از ما چیزی تقاضا کرد چیزی بدهیم، دشمنان مان را دوست بداریم و از این قبیل، ممکن است اعتراض کنیم که او از هر درجه معقولی از ایثار فراتر می‌رود. اگر اینها آرمانهای اخلاقی درستی با مقداری ادعا برای قبول ماست، به‌خوبی حق داریم از ناتوانی مان در پیروی کردن از آنها ناامید شویم. اما شاید باید آنها را کاملاً رها کنیم و انکار کنیم که آنها اصلاً آرمانهای اخلاقی معقولی‌اند.

عیسی مدلل می‌سازد که مطالبات او مبین مطالبات اخلاقی درستی با مقداری ادعا در باب قبول ماست. یأس ناگزیر می‌بود اگر ما در تلاش برای برآوردن این مطالبات اخلاقی کاملاً به استطاعت انسانی خودمان تکیه کرده بودیم؛ اما ما واگذاشته به استطاعت خودمان نیستیم.

#### ۵. کار مسیح

پولس ادعا می‌کند که آنچه شریعت نتوانست انجام دهد و آنچه ما نتوانستیم با رعایت قانون اخلاقی انجام دهیم، خدا خود برای ما انجام داد: «پسر خود را در شبیه جسم گناه و برای گناه فرستاده بر گناه در جسم فتوی داد، تا عدالت [! justification = تبرأ] شریعت کامل گردد، در میانیکه نه به حسب جسم بلکه بر حسب روح رفتار می‌کنیم، زیرا آنانیکه بر حسب جسم هستند در چیزهای جسم تفکر می‌کنند و اما آنانیکه بر حسب روح هستند در چیزهای روح.» انسانها نمی‌توانند با تلاش خودشان به این نتیجه برسند. شعائر اصلی مسیحی درخصوص غسل تعمید و عشای ربّانی مبین این اعتقاد است که به انجام رسیدن اهداف و آرزوهای اخلاقی بشر بیشتر منوط به فعل خداست تا

منوط به افعال خود فاعلهای اخلاقی. کار مسیح «نجات» [redeem] دادن یا رها کردن انسانها از گناه خودشان است که به دست خودشان دچار می شوند؛ انسانها «به لطف خدا و به واسطه فدیة [redemption] در عیسی مسیح، که خداوند مقدر فرمود تا کفاره‌ای باشد به واسطه ایمان به خودش، مجاناً» تبرئه شدند.<sup>۱۷</sup>

این استعارات — مالی («فدیة»/redeem) و حقوقی («تبراً»/justify) و ایثارگر («کفاره») — تصویری روشن یا از حیث اخلاقی جذّاب از مسیح ارائه نمی‌کند. اگر خدا عیسی را برای آرام کردن یا فریب دادن شیطان قربانی می‌کند، یا اگر عیسی خود را به منزله طعمه بی گناهی برای آرام کردن یا فریب دادن خدا قربانی می‌کند، به نظر نمی‌آید در شخصیت اخلاقی خدا انعکاس خوبی بگذارد و روشن نیست چرا باید به فاعلهای بشری این قدر زیاد کمک شود. به هر تقدیر، تعلیم مسیحی درصدد است تصلیب را از حیث اخلاقی موجه و مفهوم به نظر آورد.

مرگ مسیح گمان می‌رود دست کم سرمشق باشد. این مرگ درستی شخصی از حیث اخلاقی کامل را نشان می‌دهد که با شرّ موجود در جهان می‌جنگد و این شرّ او را فاسد نمی‌سازد: «او مشابه با ما به هر طریق آزموده شد، بدون گناه کردن» و «از آنجا که خود مبتلا شده است، به آزمون شدن، قادر است به کمک آن کسانی بیاید که آزموده شده‌اند». مسیح نشان می‌دهد که مطالبات آرمانی اخلاق دست‌یافتنی است؛ او آنها را رعایت می‌کند، مهم نیست به چه قیمتی، و درستی او نشان می‌دهد ما به چه کاری توانا هستیم.<sup>۱۸</sup> اما در حالی که چنین مثالی ممکن است الهام‌بخش ما برای تلاش بیشتر باشد، پولس ما را مطمئن می‌کند که این تلاش به جایی نمی‌رسد. نهایت ایثاری که مسیح نشان داد ممکن است صرفاً گرایشهای ابراز وجودی خود ما را افزایش دهد و ما را تشویق به سرپیچی نیرومندتری بر ضد مطالبات شریعت کند. فعل مسیح همچنین باید ما را قادر سازد به کمال او نزدیکتر آییم. پولس ادعا می‌کند که وقتی کسی «در مسیح» است، آفرینشی تازه وجود

دارد، و انسانها تا آن اندازه در مسیح‌اند که مسیح نیز در آنان حاضر است، وقتی که آنان باز از روح‌القدس زاده می‌شوند: «تو از تن نیستی، بلکه از روح هستی، اگر روح خدا در تو ساکن می‌شود.» خدا به ما توانایی و نیز میل به تعقیب کمال به طور مؤثر می‌بخشد. خدا در درون ما عمل می‌کند و هم اراده و هم فعل را الهام می‌دهد.<sup>۱۹</sup>

کوششهای صورت گرفته برای فهم جنبه مؤثر کار مسیح تلقیهای از ریشه متضادی از نگرش مسیحی ایجاد کرده است. از یک دیدگاه، رد کردن ابتکار و استقلال انسان به نظر می‌آید. پولس ادعا می‌کند که غرور و تفاخر مطرودند، چون خوبی بشری و واقعی واقعاً دستاوردی بشری نیست. ما را لطف خدا نجات داد و ایمان مبرّا کرد و نه فعل یا استحقاق خود ما. خدا خود به ما اراده پذیرفتن لطفش و نزدیک شدن به کمالی را می‌بخشد که ما بیهوده درصدد بودیم برای خودمان به دست آوریم.<sup>۲۰</sup>

چنین نگرشی ممکن است تبدیل کردن فاعلهای بشری به گیرندگان منفعل به نظر آید. آنان چندان خوش اقبال‌اند که از لطفی برخوردار می‌شوند که کاری نکرده‌اند تا سزاوار آن باشند. مسیحیت الغاکننده تسلط فاعلهای عاقل بر زندگیهای خودشان به نظر می‌آید، یعنی الغاکننده آن قسم تسلطی که فیلسوفان یونانی یکدل و یکزبان از آن استقبال و دفاع می‌کردند. بعلاوه، اگر خدا مجاناً گناه را می‌بخشد، به نظر می‌آید فاعلهای بشری دلیل‌شان را برای اجتناب از گناه و طلب کمال اخلاقی از دست می‌دهند. چرا آنان نباید با ادعای پولس موافقت کنند که مسیح ما را از قید شریعت آزاد ساخته است و آن‌گاه نتیجه بگیرند که او ما را از پیروی از استلزامات قانون اخلاقی آزاد کرده است؟<sup>۲۱</sup>

این آن تأویلی نیست که پولس در نظر دارد. مسیح مطالبه کمال می‌کند و پولس آن را مقصود دارد. وقتی می‌فهمیم کمال مسیحی نیازمند چیست، شکست را انتظار می‌کشیم. اما شکست نباید یأس ایجاد کند، چنانکه برای آن کسانی یأس ایجاد خواهد کرد که می‌کوشند بدون مسیح از اخلاقیات پیروی

- باب اول، آیات ۲۲-۱۴؛ کتاب ملاکی نبی، باب چهارم، آیات ۶-۱؛ انجیل لوقا، باب سوم، آیات ۱۷-۷.
۹. درباره حرمت شکنی شعائر، رجوع شود به ابتدای ایلیاد و آگامنون آیسخولوس؛ کتاب اول سموئیل نبی، باب سیزدهم، آیات ۱۴-۸؛ باب چهاردهم، آیات ۳۷-۴۵؛ باب پانزدهم، آیات ۳۵-۹. درباره حرمت شکنی های اخلاقی در تضاد با حرمت شکنی های شعائر، رجوع شود به: کتاب هوشع نبی، باب ششم، آیه ۶؛ کتاب میکاه نبی، باب ششم، آیات ۸-۶؛ کتاب اِرمیاء نبی، باب هفتم، آیات ۳-۲۲؛ کتاب اشعیاء نبی، باب اول، آیات ۱۵-۱۱؛ کتاب عاموس نبی، باب دوم، آیات ۷-۶؛ مزامیر، مزمور چهلم، آیات ۸-۶؛ مزمور پنجاهم، آیات ۲۳-۷؛ مزمور پنجاه و یکم، آیات ۱۹-۱۶. رجوع شود به: فصل پنجم، بند ۵.
۱۰. درباره تقدم قانون اخلاقی، رجوع شود به: انجیل متی، باب پانزدهم، آیات ۲۰-۱؛ انجیل لوقا، باب ششم، آیات ۱۱-۱، باب یازدهم، آیه ۴۲؛ انجیل متی، باب بیست و دوم، آیات ۴۰-۳۵؛ انجیل لوقا، باب دهم، آیه ۲۷؛ سفر لاویان، باب نوزدهم، آیه ۱۸؛ سفر تثبیه، باب ششم، آیه ۵.
۱۱. درباره عیسی، رجوع شود به: انجیل متی، باب نوزدهم، آیات ۲۲-۱؛ انجیل مرقس، باب دوم، آیات ۱۷-۱۵؛ انجیل لوقا، باب هجدهم، آیات ۱۴-۹. درباره پولس، رجوع شود به: فیلیپیان، باب سوم، آیه ۶؛ تیموتائوس اول، باب اول، آیه ۱۵؛ رومیان، باب سوم، آیه ۲۳. (NEB به ویژه برای قرائت نامه های پولس مفید است، گرچه به اصل یونانی کمتر از RSV نزدیک است.)
۱۲. درباره کمال، رجوع شود به: انجیل متی، باب پنجم، آیات ۲۱، ۲۷، ۳۱، ۳۳، ۳۸، ۴۳، ۴۸.
۱۳. درباره دوست داشتن همسایه، رجوع شود به: سفر لاویان، باب هجدهم، آیه ۹؛ انجیل لوقا، باب دهم، آیات ۷-۳۶. درباره سختی دل، رجوع شود به: انجیل متی، باب نوزدهم، آیه ۹؛ رومیان، باب هفتم، آیه ۱۲.
۱۴. درباره مطالبات کمال، رجوع شود به: انجیل متی، باب نوزدهم، آیه ۲۱. وقتی پولس خودش را با فرمان «نباید طمع کنی» می‌سنجد، به این اصل زیر بنایی می‌اندیشد و نه به قاعده راحت تر مجسم در ده فرمان: مقایسه کنید رومیان، باب هفتم، آیه ۷ را با سفر خروج، باب بیستم، آیه ۱۷.
۱۵. درباره آگاهی از گناه، رجوع شود به: رومیان، باب سوم، آیه ۲۰؛ انجیل لوقا، باب هجدهم، آیه ۹.

۱۶. درباره شیطان، رجوع شود به: Milton, *Paradise Lost* i. 258-63. مقایسه شود با: Augustine, *Confessions* ii. 6. افلاطون، گریگاس 483e-484a شاید نزدیکترین تقدم است.
۱۷. درباره تبرّأ (یعنی: تبرئه)، رجوع شود به: رومیان، باب هشتم، آیات ۴-۳. [در ترجمه فارسی کتاب مقدس اصطلاح justification (یعنی: acquittal) به غلط عدالت ترجمه شده است (همچنین مقایسه شود با: فرهنگ انگلیسی به فارسی حیم، ذیل همین ماده). برخی از نقل قولها را از متن فارسی کتاب مقدس آورده‌ام. اما برخی دیگر را نیافتم و از همین متن ترجمه کردم.] درباره غسل تعمید، رجوع شود به: انجیل یوحنا، باب سوم، آیه ۳؛ رومیان، باب ششم، آیه ۳؛ قرنتیان دوم، باب پنجم، آیه ۱۷. درباره عشای رثانی، رجوع شود به: انجیل یوحنا، باب هفتم، آیه ۵۳. درباره نجات یا فدیة، رجوع شود به: رومیان، باب سوم، آیات ۲۵-۲۴.
۱۸. درباره درست‌کرداری اخلاقی، رجوع شود به: رساله به عبرانیان، باب چهارم، آیه ۱۵؛ باب دوم، آیه ۱۸؛ مقایسه شود با: انجیل لوقا، باب چهارم، آیات ۱۳-۱.
۱۹. درباره خلق جدید، رجوع شود به: قرنتیان دوم، باب پنجم، آیه ۱۷. درباره روح، رجوع شود به: انجیل یوحنا، باب سوم، آیه ۵؛ رومیان، باب هشتم، آیه ۵. درباره اراده و فعل، رجوع شود به: فیلیپیان، باب دوم، آیه ۱۲.
۲۰. درباره غرور، رجوع شود به: رومیان، باب سوم، آیه ۲۷. درباره لطف و ایمان، رجوع شود به: باب سوم، آیات ۲۴، ۲۸؛ باب هفتم، آیه ۲۴.
۲۱. رجوع شود به: رومیان، باب ششم، آیه ۱: «آیا در گناه بمانیم تا فیض [لطف] افزون گردد؟».
۲۲. درباره کمال: انجیل متی، باب پنجم، آیه ۴۸؛ باب نوزدهم، آیه ۲۱؛ قرنتیان اول، باب نهم، آیات ۲۷-۲۴؛ فیلیپیان، باب چهارم، آیات ۱۶-۱۲. درباره شکست: انجیل لوقا، باب هفدهم، آیات ۱۰-۷. درباره امید: افسسیان، باب دوم، آیه ۱۲. درباره دوست داشتن و شریعت: رومیان، باب سیزدهم، آیات ۱۰-۸.
۲۳. درباره پُری یا غنای خدا، رجوع شود به: کولسیان، باب اول، آیات ۱۷، ۱۹؛ باب دوم، آیه ۹. درباره کلمه خدا، رجوع شود به: انجیل یوحنا، باب اول، آیات ۱۴-۱؛ رساله اول یوحنا، باب اول، آیات ۱۰-۱. کلمه خدا آسمانها و زمین را می‌آفریند، با فرمانهای بی چون و چرای خودش (مزامیر، مزمور سی و سوم، آیه ۶؛ مزمور صد و چهارم، آیه ۷). رواقیان «لوگوس» را مجموعه‌ای از فرمانهای بی چون و چرا نمی‌انگارند، بلکه عقلی حلولی می‌انگارند که جهان را در نظامش نگه می‌دارد؛ رجوع شود به: فصل ۹، بند ۴. این نظر رواقی تأثیر می‌گذارد در حکمت، باب هفتم، آیات ۲۲ تا باب هشتم، آیه ۱، باب نهم، آیات ۲-۱، ۱۱، ۲۰-۱۷. یوحنا این تلقیهای مختلف از لوگوس را ترکیب می‌کند. درباره